



## جوادی که من می‌شناسم

درباره دکتر جواد علیگردی



محسن عضووری

مسئول دفتر حزب  
اتحاد ملت در سبزوار

می‌خواهم حقیقت را در مورد دوستی بیان کنم که برادر می‌پندارم و او کسی نیست جز دکتر «جواد علیگردی». جواد علیگردی، فرزند برومند شهید «شهباز علیگردی» و برادرزاده‌ی شهید «ذبیح‌الله علیگردی» که هر دو شهید والا مقام، از شهدای معزز جنگ هشت‌ساله هستند. جواد علیگردی برادر وکیل آزاده و سرافراز مرحوم «خسرو علیگردی» فقید، دانش‌آموخته‌ی دکتری حقوق عمومی از دانشگاه تهران است و به‌عنوان حرفه‌ی اصلی، با سابقه‌ی بیشتری از مرحوم خسرو، وکالت می‌کند، هر چند که به همراه یکدیگر، به ساخت‌وساز مسکن در مشهد تحت عنوان «هلدینگ باران» (نام فرزند مرحوم خسرو) مشغول بودند. جواد از همان ابتدای سال ۱۳۷۶، با حضور در ستادهای انتخاباتی مرتبط با سیدمحمد خاتمی، از حامیان اصلاحات بود و فعالیت سیاسی خود را در ستادهای دوم خرداد آغاز کرد و جدی‌ترین حرکت سیاسی خود را، با اعلام نامزدی در نخستین دوره انتخابات شورای اسلامی شهر سبزوار آغاز کرد و با رای بالا، پیروز انتخابات شد. شعار انتخاباتش، گزیده‌ای از شعر قیصر امین‌پور بود که می‌گفت: «من ولی تمام استخوان بوندم، دردم می‌کند!» همان سال‌ها با کنش‌گری‌های خود نظیر کفن‌پوشی در مقابل فرمانداری شهرستان به‌عنوان عضوی از شورای شهر سبزوار، تافته جدابافته خود را نشان داد. جواد در سال ۱۳۸۳، ۱۸ ضربه شلاق محکوم شد. او در ۱۳۸۸، در صف اول بود. به گفته‌ی دوستانش در اعتراضات با ساچمه‌مصدوم شد، اما کنش‌گری او اتمام نیافت. سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۸ به‌عنوان نامزد انتخاباتی ثبت‌نام کرد که تأیید صلاحیت نشد، اما باز هم جان‌زود و مدنیت خود را ادامه داد.

سال ۱۳۹۹ به علت فعالیت مجازی در کانال ستاد انتخاباتی‌اش، به یک‌سال و نیم حبس محکوم شد که بعد از تأیید، سال ۱۴۰۰ روانه زندان شد. چند ماه از مدت محکومیت را گذراند و سپس حکم توقف خورد، اما دوباره از اسفند سال ۱۴۰۳، درست بیست‌و‌چند روز پس از آنکه مرحوم خسرو، از زندان آزاد شده بود، حکم در جریان افتاد (جواد، با «پایند الکترونیکی»، در مراسم مرحوم برادرش حضور داشت).

در تمام این سال‌ها، به‌عنوان دوستی نزدیک، ناظر شیفتگی و ارادتش به خاتمی و جناب میرحسین بودم. چنانچه همه‌گان گمان می‌کردند که پس از اتفاقات یک دهه اخیر و ردصلاحیت‌ها، جواد حتماً به صف «براندازی» می‌پیوندد، اما همین بس که در جریان‌ات اعتراضی ۱۴۰۱، با آنکه همراه مرحوم خسرو در پی آزادی زندانیان سیاسی بودند، در بحث‌هایی که پیش می‌آمد، اگر توهینی به موسوی یا خاتمی می‌شد، برآشفته می‌شد و موبدبانه، توصیه به تأدیب می‌کرد.

جواد در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳، به‌طور علنی اعلام کرد که رای نمی‌دهد. اما این سروآزاده و شجاع، هیچ‌گاه اعلام به براندازی نکرد. این اواخر، بارها که هم‌را می‌دیدیم یا مخصوصاً زمان‌هایی که «تلفنی» صحبت می‌کردیم، می‌گفت که: «حسن‌جان، من هنوز امیدوارم عقلانیت مطلوب ملت حاکم نشود» و از اعتقادات و کنش‌هایش برای اصلاح، نقل قول می‌کرد و معتقد بود، با آنکه کاری نکرده است و همه چیز را قانونی انجام داده، نباید چنین با او برخورد می‌شد. چندباری برای دوستان، برای نوشتن لایحه و دفاعیه، مزاحمش شدم. قلم شیوایش، همیشه مزین به آیات قرآن و احادیث بود. حتی در سخنرانی‌های اخیرش، از آیات و احادیث، روایات، استفاده می‌کرد. همگان بایستی حق بدهند، نمی‌شود که دانشگاهی باشی و سرت در حساب و کتاب و تاریخ و علم باشد، اما به‌سادگی، دم از براندازی بزنی!

جوادی که من می‌شناسم، برانداز نیست؛ قهر می‌کند، مکر می‌شود، کنش‌گری می‌کند، شاید از جبهه اصلاحات عبور کرده باشد، شاید در خلوت بدویبراه هم گفته باشد، اما برانداز نیست. به‌عنوان دوست این دو برادر، از نزدیک شاهد نگرانی‌های ماه‌های اخیر مرحوم خسرو بودم، من به‌عنوان دوست، شاهد بودم، به‌جواد به‌عنوان برادر، باید حد داد که بیشتر دیده باشد و بیشتر در غصه مرحوم خسرو، شریک بوده باشد. فوت خسرو، مصیبتی بود که هنوز ما دوستان نزدیکش را محزون می‌دارد و داغی‌ست، که برای ما، سرد نخواهد شد. باید از دریچه دیگری، به‌احوال جواد علیگردی، به‌عنوان یک کنشگر مصلح آزاده‌خاطر، یک وکیل تحصیل‌کرده‌ی، یک فرزند شهید، نگریست. خاصه آنکه «جوادی که من می‌شناختم، برانداز نبود!» ای کاش «امیدوارکننده» با او رفتار شود...

همه باید در کنار هم باشند نه رودرروی هم. اعتقادات او به حفظ انسجام ملی به‌نظر می‌رسد که بیشتر حاکمیت‌محور باشد: «ناباید چیزی جز اتحاد و همدلی باشد و اگر هم اختلافاتی وجود دارد، مسئولان باید آن اختلافات را بین خودشان حل کنند و آن‌ها را به‌منظر مردم نگشایند.»

### ▼ انسجام ملی: تجربه اجتماعی فراتر از دستورهای رسمی

کمتر افرادی مانند ابوترابی را در میان ائمه جمعه می‌یابیم که تلاش‌شان این باشد که در موضوعات دوقطبی‌ساز و اختلاف‌افکن در راستای دفاع از یکی و تخطئه دیگری ورود نکنند و اگر در این گزارش نام او را در ابتدای مطلب آورده‌ایم به دلیل همین عدم اظهارنظر در چنین موضوعات و بنزین نریختن او بر آتش این اختلافات است.

احساس تعلق، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، ایمنی و امنیت، اشتراک فرهنگی، هویت فرهنگی، تنوع فرهنگی و شمولیت اجتماع از جمله ابعادی از انسجام ملی بودند که در جریان جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل نسبت به دیگر ابعاد انسجام ملی در سطح سیاسی از جمله اعتماد به دولت، هویت سیاسی، مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی برتری داشتند و امکان گذار از وضع موجود جنگی را در ایران میسر کردند. با این حال به‌نظر نمی‌رسد این تجربه در تریبون رسمی نمازهای جمعه چندان مورد توجه قرار گرفته باشد. این نکته که انسجام ملی در ایران تنها محصول سیاست‌گذاری یا دستورهای رسمی نیست؛ بلکه نتیجه تعاملات اجتماعی، تجربه‌های تاریخی و حساسیت‌های مردم نسبت به آینده کشور است. حتی در شرایط دشوار اقتصادی و اختلافات فرهنگی، بخش‌هایی از جامعه نشان دادند که تعلق به وطن می‌تواند بر تفاوت‌ها غلبه کند و عرصه‌های همکاری و همبستگی را فعال نگه دارد. این تجربه نشان می‌دهد که انسجام ملی زمانی پایدار خواهد بود که مسئولان و نهادهای رسمی، مردم را شریک واقعی تصمیم‌گیری‌ها بدانند، صدای انتقاد و مطالبه آنان را بشنوند و پاسخ‌گویی شفاف داشته باشند. به عبارت دیگر، اتحاد و وفای تنها با فشار یا چارچوب‌های محدودکننده حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند گفت‌وگوی مداوم و پذیرش تکثر دیدگاه‌ها در جامعه است. این در حالی است که در ماه‌های اخیر هشدارهایی نسبت به تلاش برای حفظ وحدت و انسجام ملی از سوی سیاست‌مداران داده شد. عباس عبدی، تحلیلگر و فعال سیاسی در هشدار می‌گفته بود: «وحدت و انسجام ملی چیزی نیست که فقط در جنگ بتوان آن را ایجاد کرد. در حقیقت چنین چیزی باید در شرایط عادی وجود داشته باشد و در این صورت، در شرایط بحرانی و جنگی تشدید می‌شود و نمود پیدا می‌کند، بخش‌هایی از اختلافات کاهش می‌یابد و وضعیت انسجام ملی بیشتر به چشم می‌آید.»

مرور خطبه‌ها و مواضع ائمه جمعه در ماه‌های اخیر نشان می‌دهد که اگرچه «انسجام و وفای ملی» به یکی از کلیدواژه‌های پرترکر تریبون نماز جمعه تبدیل شده، اما این مفهوم در عمل با قرائت‌های متفاوت و گاه متناقضی همراه بوده است. در بخشی از این خطبه‌ها، انسجام ملی در گفت‌وگو با مردم، شنیدن مطالبات و تقویت پیوند دولت و ملت معنا پیدا می‌کند و در بخشی دیگر، به مفهومی شرطی، محدود و همراه با هشدار به منتقدان فروکاسته می‌شود. این در حالی است که تجربه اجتماعی شکل‌گرفته در جریان جنگ دوازده‌روزه نشان داد که انسجام ملی بیش از آنکه محصول دستور، مرزبندی یا طرد صداهای متفاوت باشد، بر احساس تعلق مردم به ایران و پذیرش تکثر دیدگاه‌ها استوار بوده است. فاصله میان این تجربه اجتماعی و روایت غالب از انسجام در تریبون نماز جمعه، همچنان یکی از چالش‌های جدی در مسیر تحقق وفای ملی به‌شمار می‌آید.

انسجام ملی، مفهومی که بارها در سخنان رهبری مطرح شده و به زبان ائمه جمعه نیز آمده است؛ و این اصطلاح بیش از آنکه یک شعار یا ابزار حاکمیتی باشد، حاصل تجربه‌های واقعی اجتماعی است. تجربه جنگ دوازده‌روزه نشان داد که مردم ایران وقتی با بحران مواجه می‌شوند، فارغ از گرایش‌های سیاسی، مذهبی و فرهنگی، پشت ایران می‌ایستند و از وحدت و همبستگی خود دفاع می‌کنند. این وحدت خودجوش و برآمده از احساس تعلق، نه‌تنها توان بازدارندگی کشور را افزایش می‌دهد، بلکه به مسئولان هشدار می‌دهد که انسجام ملی قابل خریداری یا تحمیل نیست؛ بلکه نیازمند شنیدن مطالبات مردم، پاسخ‌گویی واقعی و ایجاد پل‌های ارتباطی بین دولت و ملت است. محدود کردن انسجام ملی به چارچوب‌های دینی یا سیاسی، یا استفاده از آن به‌عنوان ابزار کنترل، می‌تواند اعتماد عمومی را کاهش دهد و تجربه‌ای که در جنگ دوازده‌روزه شکل گرفت را تضعیف کند. به همین دلیل، انسجام ملی باید با پذیرش تکثر دیدگاه‌ها، گفت‌وگو و تعامل واقعی تقویت شود، نه صرفاً با هشدار یا محدودیت‌ها.

ارزش‌های انقلاب شکل‌گیرد و نمی‌توان آن را صرفاً به باور اقتصادی یا رفاهی تقلیل داد. به گفته او «انسجام ملی موضوعی نیست که خودبه‌خود باقی بماند، بلکه نیازمند توجه، مراقبت و تلاش مداوم مردم و مسئولان است.» مطهری‌اصل، انتقادات خود به حفظ انسجام ملی و وحدت را خطاب به قوای سه‌گانه مطرح و رفتارهای ناهماهنگ آنها را منجر به خطر افتادن وحدت دانست: «مسئولان قوای سه‌گانه باید نسبت به آثار سخنان و عملکرد خود آگاه باشند و مراقب باشند تا حین طرح نقدها و اختلاف‌نظرها، وحدت جامعه خدشه‌دار نشود.» هرچند که از رسانه‌ها نیز درخواست داشته است که مبدأ اتحاد و انسجام ملی باشند: «رسانه‌ها و احزاب همانطور که در جنگ ۱۲ روزه نشان دادند و همانگونه که الگوی ایجاد انسجام ملی و اتحاد هستند باید در حفظ آن نیز الگو باشند و از بسختی‌های ناروا و انگ به دیگران پرهیز کنند.» مطهری‌اصل از کارکرد جمعی «ما» در ترویج وحدت و انسجام ملی سخن می‌گوید: «انسجام ملی و وحدت، امری نیستند که خودبه‌خود حفظ شوند؛ بلکه این ما هستیم که باید برای پاسداشت آن بکوشیم.» به اعتقاد وی فرهنگ و تفکر حاکم بر کشور بسیجی است که باید تقویت شود.

### ▼ امام جمعه قم: انتقاد به نظر متفاوت

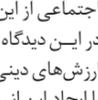
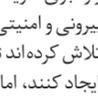
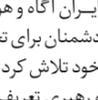
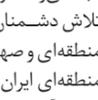
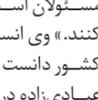
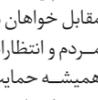
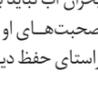
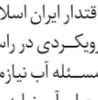
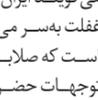
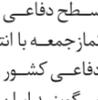
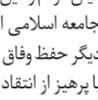
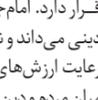
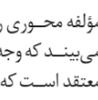
سیدهاشم حسینی بوشهری، امام جمعه قم انسجام ملی را محصول تجربه جنگ و مقاومت در برابر دشمن خارجی می‌داند. او چارچوب مفهومی انسجام را در سه مؤلفه محوری رهبری الهی، وحدت کلمه و ایمان دینی می‌بیند که وجه مشترک آنها اعتقادات است. او همچنین معتقد است که انسجام ملت و دولت در بالاترین سطح خود قرار دارد. امام جمعه قم رویکرد انسجام ملی را بر پایه هویت دینی می‌داند و نظر او بر حفظ وفای و انسجام ملی مشروط بر رعایت ارزش‌های دینی است: «هدف دشمن ایجاد فاصله میان مردم و دین، گسترش لابلالی‌گری و تغییر ارزش‌هاست تا جامعه اسلامی از مسیر حقیقی خود منحرف شود.» از سوی دیگر حفظ وفای و انسجام ملی در چارچوب‌های سیاسی را نیز با پرهیز از انتقاد و زیر سوال بردن توانایی‌های کشور به‌ویژه در سطح دفاعی میسر می‌داند. وی در یکی از خطبه‌های نماز جمعه با انتقاد از برخی جریان‌های داخلی که توان دفاعی کشور را زیر سوال می‌برند، گفت: «کسانی که می‌گویند ایران به موشک و پهپاد نیازی ندارد، یا در خواب غفلت به‌سرمی‌برند یا خود را به خواب زده‌اند و این در حالی است که صلابت رهبری، قدرت موشکی، انسجام ملی و توجهات حضرت ولی‌عصر (عج) عامل اصلی بازدارندگی و اقتدار ایران اسلامی است.» او در مسئله بحران آب در اصفهان رویکردی در راستای وفای ملی داشت و با اشاره به اینکه مسئله آب نیازمند وحدت و نگاه ملی است، تصریح کرد که بحران آب نباید به مسئله‌ای قومی و یا منطقه‌ای تبدیل شود. صحبت‌های او در راستای حفظ انسجام و وفای ملی در راستای حفظ دین و منافع عمومی کشور بوده است.

### ▼ امام جمعه بندرعباس: حالانوبت مسئولان است...

محمد عبادی‌زاده، امام جمعه بندرعباس تلاش کرد تا انسجام و وفای ملی را در رفتار مردم در موقعیت بحرانی که برای کشور ایجاد شده بود ترسیم کند: «مردم ایران در جنگ انسجام را نشان دادند.» او این انسجام را نشانه‌ای از وفاداری مردم به کشور دانست و در مقابل خواهان مسئولیت‌پذیری حاکمیت در مقابل اتحاد مردم و انتظارات و مطالبات اجتماعی آنان شد: «مردم همیشه حمایت خود را از کشور نشان داده‌اند حالانوبت مسئولان است که مشکلات را حل و به مردم خدمت کنند.» وی انسجام ملی را یک ضرورت استراتژیک برای کشور دانست که در سایه رهبری دینی باید محقق شود. عبادی‌زاده در یکی از خطبه‌های نماز جمعه با اشاره به تلاش دشمنان برای تجزیه کشور گفته بود: «دشمنان منطقه‌ای و صهیونیست‌ها همواره در پی تضعیف قدرت منطقه‌ای ایران و تجزیه کشورهای اسلامی هستند. ملت ایران آگاه و هوشیار است و اجازه نخواهد داد رویای دشمنان برای تجزیه کشور تحقق یابد.» وی در خطبه‌های خود تلاش کرد تا انسجام ملی را در پیوند میان دین، ملت و رهبری تعریف کند و شکاف میان این عناصر را پروژه‌ای بیرونی و امنیتی بداند: «دشمنان انقلاب و نظام همواره تلاش کرده‌اند تا میان ارزش‌های دینی و ملی ما شکاف ایجاد کنند، اما ملت ایران در سایه رهبری دینی و وحدت اجتماعی از این فتنه‌ها عبور کرده است.» به‌نظر می‌رسد در این دیدگاه انسجام ملی نتیجه هم‌راستایی مردم با ارزش‌های دینی و رهبری معرفی می‌شود و عبور از فتنه‌ها با ایجاد این انسجام است که محقق خواهد شد.

### ▼ امام جمعه قزوین: حرکت در کنار هم

«حرکت در کنار هم» رویکردی است که حسین مظفری، امام جمعه قزوین تلاش کرده است در سخنان خود در نظر داشته باشد. به اعتقاد او حل مشکلات استان در سایه وحدت ملی انجام‌شدنی است و



### کمتر افرادی مانند ابوترابی را در میان ائمه جمعه می‌یابیم که تلاش‌شان این باشد که در موضوعات دوقطبی‌ساز و اختلاف‌افکن در راستای دفاع از یکی و تخطئه دیگری ورود نکنند و اگر در این گزارش نام او را در ابتدای مطلب آورده‌ایم به دلیل همین عدم اظهارنظر در چنین موضوعات و بنزین نریختن او بر آتش این اختلافات است

برای «حفظ انسجام ملی» از سوی ائمه جمعه به جای آنکه بر مبنای وفای مردمی و پذیرش تکثر دیدگاه‌ها باشد، با فشار و تحمیل چارچوب‌های خاص ارزشی همراه شده است. نتیجه چنین عملکردی نه‌تنها وفاقی واقعی میان مردم ایجاد نمی‌کند، بلکه می‌تواند فاصله میان جامعه و حاکمیت را افزایش دهد و اعتماد عمومی را تضعیف کند. با همه این اوصاف استفاده از انسجام و وحدت ملی از جمله کلیدواژه‌های پرترکر در سخنان ائمه جمعه است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

### ▼ امام جمعه مشهد: زمزمه‌های نابجا داریم

سیداحمد علم‌الهدی، امام جمعه مشهد، در خطبه‌های نماز جمعه، انسجام و اتحاد مردم را یکی از عوامل اصلی ناکامی دشمن در جریان جنگ دوازده‌روزه دانست. او معتقد است که انسجام مردم با ارزش‌تر از هر دستاورد نظامی است چراکه آنها عامل اصلی امنیت کشور هستند. با این حال، تأکید او بر حفظ انسجام ملی، بیش از آنکه ناظر بر پذیرش تنوع نگرش‌ها و سبک‌های زندگی در جامعه باشد، بر صیانت از چارچوب‌های ارزشی و دینی استوار بود. علم‌الهدی در یکی از خطبه‌های نماز جمعه، نسبت به آنچه «زمزمه‌های نابجا» در جامعه می‌خواند هشدار داد و گفت: «متأسفانه در جامعه با دو زمزمه نابجا مقابل هستیم...» او با اشاره به موضوعاتی مانند کشف حجاب، تأکید کرد که تسامح در مسائل دینی با هدف حفظ انسجام اجتماعی، به‌معنای نادیده گرفتن اصول دین و تحقق خواسته دشمن خواهد بود. او معتقد است که انسجام ملی ابزاری برای توسعه و عزت دین است و اینکه برای حفظ انسجام ملی مسئله حجاب پیگیری نشود درست نیست: «این بی‌بندوباری‌هایی که در جامعه دیده می‌شود، این ناهنجاری‌هایی که باعث نارضایتی عمومی شده همه جنگ با خداباوری مردم است؛ اینکه امروز وحدت و انسجام ملی ما گوهر گران‌قدری است که در مقابل دشمن صلابت ما را حفظ کرده و باید برای آن هزینه بدهیم، مسئله درستی است اما این هزینه شامل دین نمی‌شود؛ هدف از انقلاب اسلامی ما توسعه و عزت دین بوده و هست که ابزارش نیز انسجام ملی است. حال اینکه عده‌ای می‌گویند نهی از منکر نکنید، مسئله حجاب را پیگیری نکنید، جلوی اباحه‌گری را نگیرید تا انسجام ملی حفظ شود؛ حرف درستی نیست.»

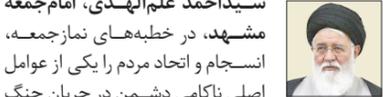
### ▼ امام جمعه شیراز: مطالبه گری ممنوع

لطف‌الله دزکام، امام جمعه شیراز با وجود آنکه حفظ انسجام ملی را وظیفه‌ای همگانی می‌داند، اما رویکرد وی به مسئله وفای و انسجام ملی برای مردم از نوع دستوری و حاکمیتی است. وی در یکی از سخنان خود با اشاره به سخنان رهبری تقویت انسجام ملی را در راستای ترویج دین‌داری توصیف کرده و گفت: «امروز حب ایران به عنوان وطن مردم مسلمان، جزو ایمان است، نه اینکه این حب را به جای دین قرار دهیم و این اشتباه را برخی از فعالان عرصه سیاسی-اجتماعی مرتکب می‌شوند و این حرف از روی نادانی و نسنجیده صحبت کردن است. ما دین‌داری را باید ترویج کنیم و البته میهن و وطن در ضمن آن جا دارد و رشد می‌کند. این است که هر چه می‌توانیم، باید انسجام ملی را تقویت کنیم و امروز مسئله حساسی است و حساب‌هایی که ممکن است در دنیا مهم باشد، نکنند کسی حرکتی کند که ذره‌ای به انسجام لطمه بخورد.»

او در یکی از خطبه‌های جنجالی نماز جمعه شهر شیراز در شهریورماه سال جاری، مطالبه‌گری مردم را مورد نقد قرار داده و آن را صرفاً متعلق به گروهی خاص خوانده است: «برخی در کوچه و خیابان خیلی مدعی و طلبکار هستند و خود را مطالبه‌گر می‌دانند؛ به‌نظر بنده این اسم را بیخودی به خود می‌پندند؛ کسی که یاد خدا در دلش نیست، نمی‌شود مطالبه‌گر باشد و در قاموس انقلاب اسلامی جای مطالبه‌گر نیست. مطالبه‌گر تراز انقلاب اسلامی باید یاد خدا در دلش باشد و برای خدا سخن بگوید، نه آنکه بر اساس باند و جریان سیاسی خودش موضع بگیرد.» محدود کردن مطالبه‌گری به گروهی خاص و پیوند دادن انسجام ملی با دین‌داری، نتیجه‌ای جز تضعیف وفای ملی و محدود کردن گفت‌وگو و نقد سازنده نخواهد داشت؛ رویکردی برخلاف خواست رهبری برای انسجام و وفای ملی، که بیش از ایجاد وفای، فاصله میان مردم و حاکمیت را افزایش می‌دهد.

### ▼ امام جمعه تبریز: الگوی حفظ انسجام ملی باشید

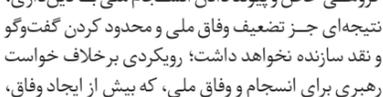
بررسی خطبه‌های امام جمعه تبریز پس از جنگ دوازده‌روزه نشان می‌دهد او انسجام ملی را عمدتاً در ابعاد امنیتی و ایدئولوژیک ترسیم کرده است و بخش مطالبات اجتماعی منجر به انسجام ملی از تریبون نماز جمعه کمتر در سخنان وی بازتاب داشته است. احمد مطهری‌اصل، در خطبه‌های نماز جمعه تأکید کرد که انسجام ملی باید بر اساس دین، قانون اساسی و



برای «حفظ انسجام ملی» از سوی ائمه جمعه به جای آنکه بر مبنای وفای مردمی و پذیرش تکثر دیدگاه‌ها باشد، با فشار و تحمیل چارچوب‌های خاص ارزشی همراه شده است. نتیجه چنین عملکردی نه‌تنها وفاقی واقعی میان مردم ایجاد نمی‌کند، بلکه می‌تواند فاصله میان جامعه و حاکمیت را افزایش دهد و اعتماد عمومی را تضعیف کند. با همه این اوصاف استفاده از انسجام و وحدت ملی از جمله کلیدواژه‌های پرترکر در سخنان ائمه جمعه است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.



وجود آنکه حفظ انسجام ملی را وظیفه‌ای همگانی می‌داند، اما رویکرد وی به مسئله وفای و انسجام ملی برای مردم از نوع دستوری و حاکمیتی است. وی در یکی از سخنان خود با اشاره به سخنان رهبری تقویت انسجام ملی را در راستای ترویج دین‌داری توصیف کرده و گفت: «امروز حب ایران به عنوان وطن مردم مسلمان، جزو ایمان است، نه اینکه این حب را به جای دین قرار دهیم و این اشتباه را برخی از فعالان عرصه سیاسی-اجتماعی مرتکب می‌شوند و این حرف از روی نادانی و نسنجیده صحبت کردن است. ما دین‌داری را باید ترویج کنیم و البته میهن و وطن در ضمن آن جا دارد و رشد می‌کند. این است که هر چه می‌توانیم، باید انسجام ملی را تقویت کنیم و امروز مسئله حساسی است و حساب‌هایی که ممکن است در دنیا مهم باشد، نکنند کسی حرکتی کند که ذره‌ای به انسجام لطمه بخورد.»



او در یکی از خطبه‌های جنجالی نماز جمعه شهر شیراز در شهریورماه سال جاری، مطالبه‌گری مردم را مورد نقد قرار داده و آن را صرفاً متعلق به گروهی خاص خوانده است: «برخی در کوچه و خیابان خیلی مدعی و طلبکار هستند و خود را مطالبه‌گر می‌دانند؛ به‌نظر بنده این اسم را بیخودی به خود می‌پندند؛ کسی که یاد خدا در دلش نیست، نمی‌شود مطالبه‌گر باشد و در قاموس انقلاب اسلامی جای مطالبه‌گر نیست. مطالبه‌گر تراز انقلاب اسلامی باید یاد خدا در دلش باشد و برای خدا سخن بگوید، نه آنکه بر اساس باند و جریان سیاسی خودش موضع بگیرد.» محدود کردن مطالبه‌گری به گروهی خاص و پیوند دادن انسجام ملی با دین‌داری، نتیجه‌ای جز تضعیف وفای ملی و محدود کردن گفت‌وگو و نقد سازنده نخواهد داشت؛ رویکردی برخلاف خواست رهبری برای انسجام و وفای ملی، که بیش از ایجاد وفای، فاصله میان مردم و حاکمیت را افزایش می‌دهد.

بررسی خطبه‌های امام جمعه تبریز پس از جنگ دوازده‌روزه نشان می‌دهد او انسجام ملی را عمدتاً در ابعاد امنیتی و ایدئولوژیک ترسیم کرده است و بخش مطالبات اجتماعی منجر به انسجام ملی از تریبون نماز جمعه کمتر در سخنان وی بازتاب داشته است. احمد مطهری‌اصل، در خطبه‌های نماز جمعه تأکید کرد که انسجام ملی باید بر اساس دین، قانون اساسی و